

«پایه گذار مکتب معارفی»

مروری به زندگی علمی و معنوی آیت الله میرزا مهدی اصفهانی

(۱۳۶۵-۱۳۰۳ ه.ق)

غلامرضا جلالی

در میان چهره‌های روحانیت خراسان، کمتر کسی را به اندازه مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به لحاظ پرورش شاگردان صاحب‌نظر و هم‌نظر با خود که موجب دوام و توالی اندیشه‌هایش در قلمرو معرفت دینی شده‌اند، می‌توان تأثیر گذار یافت. وی مکتب معارف پیشوایان شیعه را با کوشش‌های علمی خود رونق بخشید و افراد بسیاری از عاشقان علم و فضیلت را تربیت کرد. شاگردان میرزا همه از نظر علم و عمل و دارا بودن فضایل اخلاقی، ممتاز و همه آنان پایبند مکتب معارفی ایشان بوده‌اند، و چنین است که این مکتب پس از ۵۵ سال که از زمان ارتحال مؤسس آن می‌گذرد هنوز پابرجاست و این امر از تأثیر عمیق و نفوذ معنوی مرحوم میرزا مهدی اصفهانی حکایت می‌کند.

تولد - تحصیل

میرزا مهدی در محرم سال ۱۳۰۳ ه.ق در اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش میرزا اسماعیل اصفهانی متوفای حدود ۱۳۱۲ ه.ق، از تیکان بود. او زیر نظر پدر و دیگر عالمان اصفهان به کسب دانش روی آورد و پس از درگذشت پدر، در حالی که غمی بی‌پایان بر دلش سنگینی می‌کرد راهی نجف اشرف شد و بر اساس توصیه آیت الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی، از آغاز ورود به عراق با آیت الله سید اسماعیل صدر (متوفی ۱۳۲۸ ه.ق) ارتباط یافت و خوشه چینی خرمن معارف و سلوک معنوی او شد.

وی در کنار فقه و اصول به آموزش رموز عرفان نزد سیداحمد کربلایی (متوفای ۱۳۳۲ ه.ق)، و شیخ محمد بهاری همدانی - شاگرد میرزا حسینقلی همدانی (متوفای ۱۳۱۱ ه.ق) - و سید علی قاضی طباطبایی همت گماشت

و نزدیک ۱۸ سال در این وادی پیش رفت. تا آنجا که اکابر عرفان، او را استاد خواندند.

تشویش و بساطت خاطر

وی به تفحص و جست‌وجو در مسایل فلسفی نیز روی آورد ولی نا همسویی‌هایی که بین اندیشه‌های عقلی و نگرش‌های دینی خود یافت، در سنین حدود سی سالگی در جهانی از دغدغه و تشویش خاطر قرار گرفت، او تنها راه رستگاری را در رویکرد به معارف ناب اهل بیت یافت و پس از تضرع به پیشگاه حق در مسجد سهله که مدت‌ها دوام آورد، از مطالعات عرفانی و فلسفی کناره گرفت و به سفینه معارف اهل بیت چنگ یازید.

در حالات روحی او آورده‌اند: یک موقع در نزد قبر هود و صالح در حال تضرع و توسل، به زیارت امام عصر (عج) نایل شد. خودوی به نقل شاگردش سید محمدباقر نجفی یزدی در مقدمه کتاب ابواب الهدی گفته بود: «در بیداری آن حضرت را دیدم، کاغذی که اطراف آن با آب طلا مزین شده بود روی سینه آن حضرت بود، نظر کردم، دیدم وسط صفحه به خط سبز و نورانی نوشته شده است. «طلب المعارف من غیر تا اهل البیت مساوق لا تنکارنا» جست‌وجوی معارف دین از غیر ما اهل بیت در حد انکار ماست. و چون پایین کاغذ را دیدم به خط ریزتری نوشته شده بود: «قد اقامنی الله وانا الحجة ابن الحسن - خدا مرا بپا داشته و منم حجت بن الحسن».

میرزا نقل می‌کند: از خواندن این نامه مبارکه، روشن‌شدم و نورانیتی را در خود احساس کردم و چنان ذهن من روشن گردیده بود که گویا تمام فسادهای قواعد فلسفه و عرفان در نظر من مجسم شده بود، و مخالفت آنها را



بامعارف دین اسلام آشکار می‌دیدم^۱. اصفهانی به دنبال این رویداد همه یادداشتهای خود را پاره کردو آنها را در آب فرات رها ساخت و تصمیم گرفت از آن پس دین را از زبان قرآن و اهل بیت بشناسد و بر اساس «نصوص ثقلین» حرکت کند. از او نقل شده است: «فلسفه و عرفان را رها ساختم، چهره خود را به سوی کتاب کریم و آثار عترت طاهره گردانیدم، و تمام دانش را در کتاب خدای عزیز و اخبار اهل بیت رسالت یافتم که خدا آنها را خزانه‌های علم خویش و مترجمین خود قرار داده، و رسول خدا ترغیب و تاکید به تمسک آن دو و هدایت‌را در پرتو گرایش به آن دو ضمانت فرموده است. با عزم راسخ راه پژوهش در اخبار ائمه راگزیدم و با نظری ژرف در آنها نگریستم، سوگند که آن راسفینه‌رهایی بخشی یافتم، انباشته از ذخایر سعادت، و چون آسمانی زینت یافته به خورشیدهای نورافشان و رهایی بخش از تاریکی‌های نادانی. راههایش را استوار و آشکار دیدم و نشانه‌های هدایت و رستگاری بر راهها و روشهایش برافراشته، در پیمودن راهها به بستانهای شاداب و باغهای سرسبزی می‌رسیم که به گل‌های دانشها و میوه حکمت‌های الهی آرایش یافته است، و هر یک‌از آنها به نوعی هدایت به نوامیس الهی دارد»^۲.

میرزادر دل با خود نسبت به جوانی از دست رفته و بیست‌سال زحمت بی‌سود می‌اندیشید.

در حلقه درس بزرگان حوزه نجف

میرزا فقه را از محضر سیدمحمد کاظم یزدی و اصول را از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ محمد حسین نائینی بهره برد، خود وی یادآور شده است: «علامه نائینی مهمات فقه و اصول را به من عنایت

کرد. مدتی به تنهایی از محضرش فیض بردم، سپس علامه سیدجمال الدین گلپایگانی به ما ملحق شد، و بعد از آن یکی یکی آمدند تا به هفت نفر رسیدیم. استاد، توره فقه و اصول را برای ما هفت نفر به پایان رساند. من چهارده سال در خدمتش تلمذ کردم»^۳. آیت‌الله سید محمود شاهرودی نیز از شرکت کنندگان این حلقه درسی بوده است.

میرزا مهدی در سی و پنج سالگی به مرتبه اجتهاد نایل آمدو نائینی و اساتید دیگرش اجازه‌اجتهاد به ایشان دادند. میرزای نائینی در عید فطر (۱۳۳۸ هـ. ق.) در اجازه خود از شخصیت میرزا مهدی چنین تجلیل کرده است: «العلم العلامة والمهذب الیمام، ذوالقریحة القویمة، والسلیقة المستقیمة، والنظر الصائب، والفکر الناقب، عماد العلماء وصفوة الفقهاء والورع التقی والعدل الزکی» نائینی چنین تعبیرات را برای او که ۳۵ سال بیش نداشت بکار برده است و در خاتمه اجازه نامه وی آقا ضیاءالدین عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نظر نائینی را تأیید کرده‌اند.

مریی ایشان در معارف دینی و سلوکی و فهم متون، فردی با نام مستعار «صاحب علم جمعی» است که در کسوت تعلیم در مجالس درس میرزا شرکت می‌کرده است ولی در باطن او معلم بوده است و میرزا متعلم و ایشان در زمان حیات خود میرزادر نجف در گذشت و شیخ محمود حلبی در تقریرات درس میرزا نام ایشان را با حروف درهم آورده است.

بازگشت به وطن و اشاعه معارف اهل

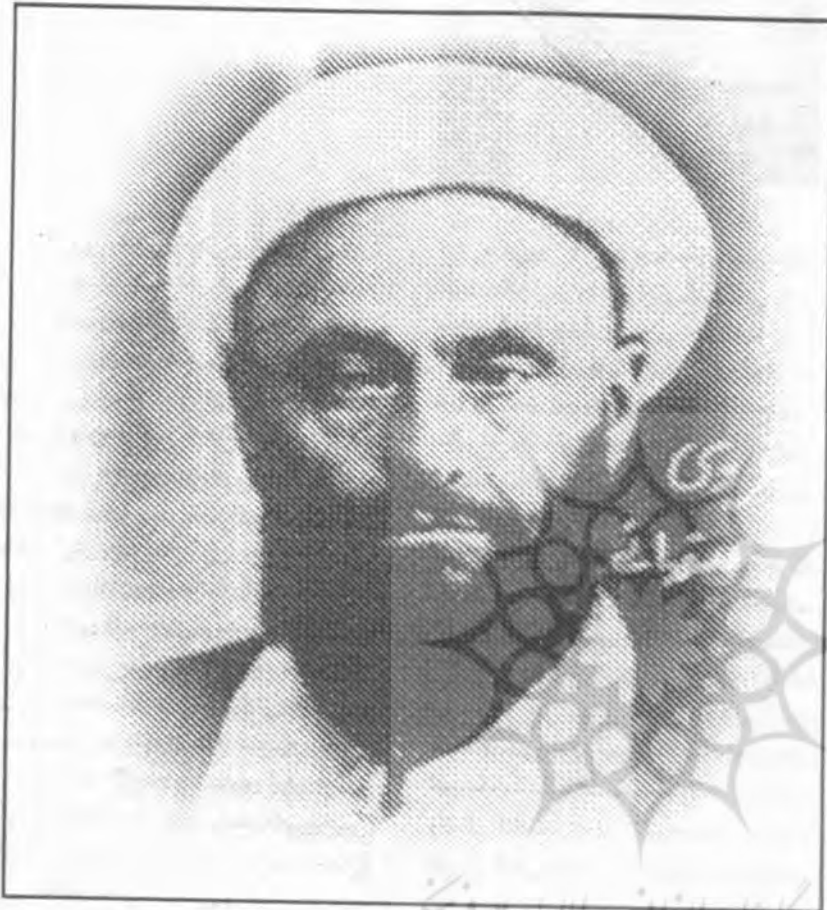
بیت

مرحوم میرزا مهدی حدود سال ۱۳۴۰ به

قصد وطن به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵ هـ. ق. یعنی تا زمان ارتحالش در شهر مشهد به فعالیت پرداخت. زمان حضور وی در مشهد مصادف با دوران اختناق رضا خانی بود و ایشان فقط چند سال پس از سقوط رضاخان به طور آزاد توانست به اشاعه اندیشه‌های خود مبادرت ورزد.

میرزا در مدرسه نواب و گاهی نیز در منزل خود به تدریس خارج فقه و اصول و نشر مبانی معارف قرآن و تبیین خطاهای فلسفه و عرفان پرداخت و بر این باور بود که قرآن و روایات بیش از بیان احکام به بیان معارف توجه دارند. وی چنانکه استاد محمدرضا حکیمی در مکتب تفکیک آورده است: موفق به شناخت غنی و مستقل در ابواب و معارف مبدئی و معادی، آفاقی و انفسی، قرآنی و حدیثی شد و خویش را با فروغ این معارف از مشکلات رسته و از مضایق جسته می‌یافت و از وادی معارف ممتاز به ساحل دریای موج معارف خالص هدایت می‌شد و با مدد تعقلات قرآنی و احیای فطرت الستی به عین صافیة تجری بامر بها روی آورد و از رشحات «علم مصوب» بهره‌مند گردید^۴.

آخرین سالهایی که ایشان در مدرسه نواب تدریس می‌کرد، مرحوم میرزا علی اکبر نوعانی متولی این مدرسه بود و حوزه پس از افول کورفر رضاخانی، جان تازه‌ای گرفته بود. میرزا روزهای پنج‌شنبه و جمعه در منزل تدریس می‌کرد. تلاش‌های دامنه‌داری موجب شد به رغم حضور دانیان برجسته حکمت عرفان در حوزه مشهد، تا حلزینادی این دو معرفت از رونق افتاد. بخصوص نیاید از یاد برد که این حوزه وارث گرایش‌های مشابه از سده‌های گذشته بخصوص از زمان چیرگی اشاعره در عصر



خواجه نظام الملک بوده است.

رسم مرحوم میرزا مهدی چنین بود که ابتدا مباحث فلسفی را نقل می‌کرد و به شاگردانش می‌گفت شما که اینجا نشسته‌اید و همه فلسفه خوانده هستید، ببینید من درست فهمیده‌ام یا نه، آن وقت از روی دقت و بهره‌گیری از روایات ائمه (ع) به نقد آراء فلسفی می‌پرداخت.

ایشان سیر و سلوک در معارف الهی را در صورتی امکان‌پذیر می‌دانست که اولاً انسان «طالب» متقی باشد، ثانیاً مأخذ فکری لوچیزی جز روایات ائمه اطهار نباشد. اصرار ایشان در کسب کمالات معنوی بر انجام واجبات و ترک محرمات بود و با هر ریاضتی که مستلزم «سماع» و «رقص» و خانقاه نشینی باشد، مخالف بود می‌گفت: «چله‌نشینی و صوفی‌گری کار درستی نیست، باید خلوص نیت و انابه نسبت به پروردگار داشت و معتقد بود توسل به ائمه راه کشف حقایق راه روی انسان بازمی‌کند». میرزا سرانجام روز پنج‌شنبه ۱۹ ذیحجه سال ۱۳۶۵ ه. ق در ۶۳ سالگی در حمام مقبره مشهد سکنه کرد و چشم از جهان فرو بست و به سوی جاودانان مینوی پرگشود و بیکر پاکش روز بعد پس از تشییع عظیم در دارالضیافه حرم مطهر دفن گردید.

اخلاق و روحیات

میرزا مهدی به راه خداطمینان داشت و درست‌ترین راه را فهم معارف الهی از زبان آل محمد (ص) می‌دانست. لو انسانی بود زاهد و وارسته و بسیار مهربان و دارای برخورد گرم و سازنده، پس از درگذشت ایشان هر کسی با او مختصر آشنایی داشت، مدعی بود که او به میرزا از هر کس نزدیکتر است و این احساس از

الشرعیة در روش استنباط احکام.
۴. ابواب الهدی، این کتاب خلاصه کتاب معارف القرآن است.
۵. اعجاز قرآن.
۶. غایة المنی و معراج القلوب واللقاء فی الصلاة.

۷. ابطال معارف اليونان.

۸. کتاب القضاء والقدر.

آثار میرزا مهدی تا سال ۱۳۹۵ ه. ق که نزدیک سی سال از فوت وی سپری شده چاپ نشده مانده بود. تا اینکه سید محمد باقر نجفی در سال ۱۳۹۵ ه. ق مجموعه‌ای از آثار ایشان را که مشتمل بر رساله‌های ابواب الهدی، مصباح الهدی، المعارض والتوریة، غایة المنی و رساله فی الکر است، منتشر ساخت و استاد جلال‌الدین آشتیانی در شماره ۳ کیهان اندیشه ص ۶۰ -

آنجا ناشی می‌شد که زفتار میرزا با همگان صمیمی و مهربانانه بود. بخصوص به سادات احترام زیادی گذاشت و به کودکان سادات محبت می‌نمود و برای نجات اخروه خود از آنها درخواست شفاعت می‌کرد.

آثار قلمی

آثار زیادی از میرزا مهدی اصفهانی برجای مانده است، از جمله می‌توان از این کتابها یاد کرد:
۱. معارف القرآن در اصول اعتقادات اسلام و تمیز بین علوم قرآن از فلسفه و عرفان و شرح فساد قواعد فلاسفه و عرفا با استناد به آیات و روایات.
۲. کتاب مصباح الهدی در اصول فقه.
۳. المواهب السنیة فی بیان المعارض والتوریة فی کلمات الائمة لاستنباط احکام

شرح از آن ملود و بر اهل فن مکتب و عرفان ظاهر است که کل اینها نواف با مکتب و عظم
 بشریت است از ادلی بکیت و علم الیه جدید است که خلافت و ولایت حضرت امیر
 و اولاد و صحابه و اوصیاء و ائمه علیهم السلام ظاهر در قرآن مجید چه از کلمه بجم عقل حسیت نوز
 مکتب و ولایت امروزی و فلسف خالص و جلال است و بعد از آن ^{اعطاء} و بعد از آن
 اعتصاب کرد مدعی ولایت الهیه با عطا و لقب رب الزمه شده احمدی از حقین
 خدافت مگر این ذوات مقرر و تعیین شده این ولایت مگر از برای انرا با این
 از انجا که جهل و ضلالت جمیع فرق و مذاهب ظاهر بر عاقل و احیای آنها در کمال
 عقول و دخول در مرتبه انیت و برانیت بر رب الزمه و کشف حقایق
 اشیا و کمالات با هر میت سرورین مسرت الیه علم و حقایق قرآنی عزیز
 مثل آفتاب هرید و لکار باشد

مهر مهدی

مهر مهدی

آیات و حجج اسلام: شیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان الفرقان فی علوم القرآن، شیخ محمد حسن بروجرودی، سید حسین خایری، شیخ غلامحسین بادکوبه‌ای، شیخ هادی مازندرانی، حاج شیخ علی محدث خراسانی صاحب کتاب خورشید تابان در علم قرآن، حاج شیخ زین العابدین تنکابنی، سید جلال مدرس، حاج شیخ محمود کلیاسی، حاج شیخ علی اکبر صدرزاده، حاج سید حسین قاضی طباطبائی، سید محمد باقر نجفی یزدی، میرزا علی اکبر نوقانی، سید صدرالدین صدر، شیخ هاشم قزوینی، شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی، سید علی شاهرودی، شیخ عبد النبی کجوری، سید علیرضا قلدوسی، محمد تقی شریعتی و شیخ حسینعلی راشد تربتی.

پی نوشت ها:

۱. مقدمه کتاب ابواب الهدی چاپ مهر ۱۳۶۴ چاپخانه سعید ۳۷-۲۶.
۲. مقدمه خورشید تابان به اهتمام احمد محدث خراسانی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۲۲ ه.ش ص ۲۶.
۳. همان ۲۰۱.
۴. میرک ماندگار، سال چهارم کیهان فرهنگی ۷۸۱-۷۷۷.
۵. حکیمی محمد رضا مکتب تفکیک ۱۳۷۱-۱۳۸۵.
۶. نوای خراسان (۱۳۸۱/۱۵) ص ۲.



علی نمازی شاهرودی مؤلف مستلک سقیة البحار، تاریخ فلسفه و تصوف، ارکان دین، اثبات ولایت، مقام قرآن و عبرت در اسلام و شیخ محمود حلبی با نوشتن تقریرات درس استاد و شیخ محمد باقر ملکی میانجی با تألیف توحید الامامیه از انتشارات وزارت ارشاد اسلامی سال ۱۴۱۵ ه.ق و بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام چاپ ۱۴۰۰ ه.ق بیروت و تفسیر فاتحه الکتاب نشر دار القرآن الکریم قم سال ۱۳۱۳ ه.ق و مناهج البیان فی تفسیر القرآن نشر وزارت ارشاد اسلامی ۱۴۱۴ ه.ق، راه استاد را دنبال کردند و اندیشه های وی را زنده نگاه داشتند. بجز تعدادی از فحول علما و آیاتی که در فوق اشاره کردیم، چهره های علمی دیگری نیز در مکتب معارفی او دوره دیده اند. از آن جمله می توان به نامه های زیر اشاره کرد:

۴۵ به مقدمه محتویات آن و اندیشه های میرزا مهدی پرداخته است.

شاگردان

مرحوم میرزا مهدی چنانکه اشاره شد شاگردان برجسته ای را در مکتب خود پروراند و عموم آنها پس از درگذشت استاد به تشریح افکار الهی او پرداختند. از جمله آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) با نوشتن کتابهای میزان المطالب، بررسی در پیرامون مطالب اسلام در رد کسروی، فلسفه اسلامی و بشری، عارف و صوفی چه می گویند، بهایی چه می گوید و آیین زندگانی و نیز آیت الله حاج میرزا حسنعلی مروارید با نوشتن کتاب تنبیهات حول المبدأ والمعاد نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۴۱۶ ه.ق و حاج شیخ عبد الله یزدی با کتاب معارف قرآن، حاج شیخ